



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۲/۱۳

رفعت حسینی

ستمگری بر فرهنگ همروزگار افغانستان

براهینی که چرا «بخشی» از فرهنگ چهل سال پسین در افغانستان، در لسان پارسی، یا دری فارسی، چنین سترون و فلج روییده است، البته از دریچه نگرش عقلانی، اینست: برخی دست اندرکاران مشهور فرهنگ و ادبیات فارسی دری در افغانستان، درین چهل سال پسین، بر شاه راه ((بی فرهنگی و)) گام برمی داشتند. آدم های شناخته شده در عرصه کاغذ و قلم، پندارها و کردارهای جنایتکارانه، داشتند:

الف/

واصف باختری در وصف مجاهدین اسلامی یا پرچمی، در حوزه زبان فارسی، (بدخشان، کابل، پنجشیر و کوه دامن) باصطلاح «سجده کاری» می کرد و «خامه فرسایي.» «!!!!!!» ((باختری در وصف سروده های عبدالله نایبی پرچمی که در ستایش حزب خون چکان خلق سرود می ساخت و در مقابل مجموعه شعر نایبی با اشعار انقلاب ثوری، سر فرود می آورد و بران مقدمه می نوشت و در آن مقدمه با افتزای فطری تذکر می داد که { سوگند بگیسوی سپید شعر} که راست و درست می نگارد.

((یا «««« استاد!!! سخن!!!! و اصف باختری»»»» در وصف اشعار ناخجسته و ناشایسته از افسر رهیین پنجشیری، مجاهد اسلامی از پنجشیر، و دوسه تا شاعر نو آغاز ولیکن لنگ در سرایش شعر، نعره های مستانه بی فرهنگی می کشید. و به آنان با محبت یک <پدر> رفتار می نمود نه یک منتقد ادبی.

((یا و اصف باختری در کالیفرنیا، در پیرامون چهره های نا پسندیده فرهنگی افغانستان و یا تاریخ هزاران هزار بار تکرار شده زبان فارسی (در ایران)، با پروگرام های تلویزیونی در امریکا و کانادا و داخل افغانستان، مصاحبه های (((تبلیغاتی برای تاجیکان)))) انجام می داد، (یا و اصف استاد سخن!!! و شاعر چپگرای شعله ای و کمونیست، (مرتجعانه!!!!!!) بر کتاب ارتجاعی خلیل الله خلیلی در ثنای بچه سقو رهن، مقدمه می نگاشت.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

و در متن این مقدمه، بشیوه نگارش «مذهبی!!!» گام بر می داشت و فراموش می کرد که خودش کمونیست و بی خداست مگر از پروردگار و (نون و القلم) غرهای اسلامی برای خوش آمدن مجاهدین می زد.

ب/

لطیف ناظمی در تهنیت گویی و مداحی به شاعران مبتذلسرا سربکف گرفته بود. در مدح ناروای محمد عاقل بیرنگ کوهدامنی، مقالهء (و بیرنگ هم رفت) را چاپ کرد. دلیلش آن بود که میخواست نشان دهد که پرورشگاه بچه سقو یعنی کوهدامن فرهنگ و ادب و شاعر هم دارد. عاقل کوهدامنی یک شعر خوب بامعاییر درونمایه هنری/انسانی ندارد.

ج/

اعظم رهنورد در وقت [لزوم سیاسی]، با تفاهم با تلویزیون طلوع، که کارمندش بود، در ثنای منصور نادری بیانیه می داد و یا درجایی دگر ، باز هم با هدایت از فارسی زبانان مجاهد اسلامی از «بی فرهنگی» داد می زد.

مگر خود محمداعظم رهنورد زریاب، در ۴۲ سال ، حتی یک داستان کوتاه، در موارد انواع ستمگری های حزب خلق و بندی گری ها و کشتار خاد اگساکام و مهاجرشدن ها و تبهکاری های گوناگون طالبان و فسادهای احمدشاه مسعود و ملا ربانی و ملا سیاف و کرزی و مجددی نوشت. چون رهنورد در افغانستان زاده و پرورده نشده بود.

د/

بیشترین شاعران پارسی سرای ، مانند باریق شفیعی و سلیمان لایق و عبدالله نایبی و اسدالله حبیب و بیرنگ کوهدامنی، در مداحه نویسی برای حزب ستم کار و بیدادگر خلق و خلقی ها و پرچمی های مجرم و شیطان صفت می نگاشتند.